

راهبردهای امام سجاد (علیه‌السلام) در ایجاد همگرایی جامعه اسلامی

مسعود بهرامیان^۱

چکیده

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امام سجاد (علیه‌السلام) (۶۱-۹۵ق) یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ صدر اسلام بود. دورانی که خلافت امویان (۴۱-۱۳۲ق) و شاخه مروانی آن در اوج قدرت خود بود. امام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان زعامت شیعیان را بر عهده گرفتند. ایشان با اتخاذ سیاست هم‌سازگری امت اسلامی توانستند هم‌جان خود و پیروان خود را حفظ کنند و هم‌این‌که حساسیت حاکمان وقت اموی را از خود دور کنند. هدف تحقیق حاضر پی بردن به ضرورت بحث وحدت، اوضاع تاریخی امام سجاد (ع) و اقدامات ایشان در راستای حفظ وفاق امت اسلامی است. این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که راهکارهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی امام سجاد (علیه‌السلام) برای همگرایی جامعه اسلامی چگونه بوده است. طبق نتایج تحقیق باید گفت در بعد مذهبی دعا برای کارگزاران دولت اسلامی، مدارا با غیر شیعیان، انجام مراسمات مذهبی با عامه و دعا برای یاران و پیروان پیامبر و در بعد اجتماعی و سیاسی مشورت حاکمان با امام، مبارزه منفی و تعاملات حسنه با غیر شیعیان است.

واژگان کلیدی: امام سجاد^(ع)، امویان، هم‌گرایی، راه‌کارهای مذهبی، راه‌کارهای سیاسی.

۱ - محقق و پژوهشگر حوزه تقریب مذاهب اسلامی

* نویسنده مسئول: mbahramian62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

مقدمه

وحدت و انسجام اجتماعی یکی از محوری‌ترین دستوره‌های اسلامی است. تا آنجا که گفته‌اند: «بنی الاسلام علی کلمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه». سیره نظری و عملی پیامبر اسلام و ائمه اطهار بیانگر این مطلب است. بعد از اقدامات وحدت‌گرایانه پیامبر، تصمیمات سیاسی و اجتماعی امام علی (علیه السلام) در دوران خلفا و زمان خلافت خود و همچنین دوران امامت حسنین (علیه السلام) را می‌توان در راستای حفظ وحدت اسلامی تفسیر کرد. در این راستا امام سجاد (علیه السلام) به مانند جد بزرگوار خود و پدر گرمای‌شان از این سیره تخطی نکرد، ولی باین وجود مسیر وحدت طلبی امام به گونه‌ای نبود که به تقویت، قبول و تأیید نظام اموی بینجامد؛ بلکه باید وحدت خواهی آنان را بر محور حفظ کیان سیاسی اسلام، تقویت کلیت دولت و نظام اسلامی و جلوگیری از نابودی آن در مقابل بیگانگان تفسیر کرد (آقانوری، ۱۳۷۸: ۱۰۹). امام در دعای مکارم الاخلاق این گونه دعا می‌کنند: «و آن فضایل را که برشمردم برای من با اطاعت پیوسته و همراهی دایمی با جماعت مسلمانان و ترک بدعت‌گذاران کامل گردان، با دوام طاعت و پایبندی به جماعت و رها ساختن بدعت‌گذاران» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸: ۱۹۳) ذکر این نکته ضروری است که راه کارهای امام سجاد (علیه السلام) به منزله حفظ وحدت جامعه اسلامی بود نه وحدت و انسجام با خلفای جور بنی‌امیه. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال که راهکارهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی امام سجاد (علیه السلام) برای همگرایی جامعه اسلامی چگونه بوده است؟

در خصوص عنوان پژوهش حاضر، مقاله مجزا یافت نشد. اما با واکاوی برخی پژوهش‌ها اشاراتی هرچند مختصر شده بود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. کتاب «امامان شیعه وحدت اسلامی» اثر علی آقانوری که در سال ۱۳۸۷ از سوی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر شده است. به ضرورت و جایگاه وحدت سیاسی- اجتماعی در سیره و سخنان ائمه، مبانی نظری وحدت اسلامی، راه کارهای تحکیم وحدت اسلامی از نگاه ائمه، آثار و لوازم فکری پذیرش اختلاف اشاره کرده است. متأسفانه مطالب اندکی در این کتاب اقدامات امام سجاد (علیه السلام) در راستای انسجام اجتماعی اشاره شده است. مقاله «مواضع سیاسی امام سجاد (علیه السلام) پس از واقعه کربلا» به قلم محسن رنجبر، در مجله معرفت شماره ۴۰، ۱۳۸۰ به زینت چاپ رسیده است. در این مقاله بسیار کلی به مهم‌ترین وقایع سیاسی امام و نقش ایشان در آن وقایع اشاره کرده است. روش پژوهش در این اثر توصیفی- تحلیلی و این که سیاست‌های امام برای ایجاد وحدت اسلامی چه بوده است.

۱- زندگی و زمانه امام سجاد (علیه السلام)

امام علی بن حسین بن علی (علیه السلام) در پنجم شعبان سال (۳۸ ق) یا (۴۸ ق) در مدینه متولد شد (مفید، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۱۳۷؛ اربلی، بی تا: ج ۲، ۲۶۰؛ شهیدی، ۱۳۷۴، ۳۲). در تاریخ تولد ایشان نظرات مختلفی وجود دارد. اگر تولد ایشان سال ۳۸ ق باشد، طبیعتاً محل تولد ایشان شهر کوفه است نه مدینه؛ زیرا آن زمان خلیفه جهان اسلام، امام علی (علیه السلام) بودند و مقر حکومت ایشان کوفه بود و در نتیجه اهلیت ایشان نیز در این شهر زندگی می‌کردند و حضرت سجاد (علیه السلام) نیز در این شهر به دنیا آمدند؛ یا این که با توجه به اینکه امام به علت کودک بودن در زمانی که کاروان اسرا به کوفه رسید و از خطر کشته شدن در امان ماند، سال تولد امام باید ۴۸ ق و در مدینه باشد، که این احتمال بسیار ضعیف است و خطبه‌های تند و کوبنده امام در کوفه و دمشق که در منابع تاریخی ثبت است دلیلی بر بلوغ امام است.

کنیه آن حضرت ابومحمد، ابالحسن و ابوبکر بود (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۱۴۱ و اربلی، بی تا: ج ۲، ۲۶۰) و از القاب ایشان زین العابدین، ذوالثنات، سید العابدین، البکاء (زیاد گریه کننده) و سجاد است (الحسنی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۲۴). امام بعد از قیام کربلا به عنوان پیام‌آور عاشورا در کوفه و دمشق به ایفای نقش پرداخت. ایشان بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) زعامت شیعیان را در جهان اسلام عهده‌دار شد. ایشان در یکی از خطرناک‌ترین دوره‌های تاریخی؛ یعنی خلافت ۵ خلیفه اموی - خلفایی که بزرگ‌ترین دشمنی با تشیع از مشخصه آنان بود - و همچنین قیام عبدالله بن زبیر (م ۷۳ ق) زندگی می‌کرد. امام با یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان ولید بن عبدالملک معاصر بودند. در این زمان در مکه عبدالله بن زبیر علم مخالفت با امویان را برافراشته بود و او نیز با آل علی (علیه السلام) به مخالف برخاست. نقش و راهنمایی شایسته امام توانست در این برهه زمانی هم جان خود و هم کیان تشیع را حفظ کند.

محمد بن مسلم زهری از فقهای آن عصر در خصوص فضایل اخلاقی و علمی امام این‌گونه می‌گوید: «در میان بنی‌هاشم، فاضل‌تر از علی بن الحسین ندیده‌ام» (مفید، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۱۳۸) حتی لقب زین العابدین را زهری به امام به خاطر عبادات طولانی ایشان به امام داد (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۸۷ و پیشوایی، ۱۳۸۴: ۲۷۸) البته در کتاب کشف الغمه اعطای این لقب به امام از سوی خدا دانسته شده است (اربلی، بی تا: ج ۲، ۲۶۱). سال شهادت ایشان مشخص نیست، در منابع سال‌های ۹۴، ۹۹ و ۱۰۰ آمده است. بدن مطهر امام در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۶۰؛ یعقوبی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۲۱۲).

۲- راه کارهای وحدت‌گرایانه امام سجاد (علیه‌السلام)

زمانه امام سجاد (علیه‌السلام) به دلیل جو خفقان و ارباب سلطنت امویان (یزید بن معاویه تا ولید بن عبدالملک) دوران سختی برای شیعیان امام بود. امام با سیاستی عاقلانه و دور از تنش و در ابعاد مذهبی و سیاسی، اجتماعی که در ادامه خواهد آمد توانستند از یک سو به حفظ جان خود و شیعیان بپردازد و از سوی دیگر به حفظ انسجام اجتماعی جامعه اسلامی در برابر خطراتی که آن را تهدید می‌کرد اقدام کند.

۲-۱- راه کارهای اجتماعی

۲-۱-۱- دعا

زعامت سیاسی جهان اسلام در فاصله سال‌های معاصر امام سجاد^(ع) در دست امویان بود، اما امپراتوری روم شرقی در پی فرصتی بود که با کوچک‌ترین خطایی از سوی خلافت به قلمرو اسلامی حمله کند. در این راستا حفظ مرزها و تشویق مرزداران یکی از اقدامات حسنه امام بود. دعا مهم‌ترین ابزار وسیله‌ای بود که امام از آن برای ابراز عقاید ناب اسلامی در آن برهه حساس تاریخی استفاده می‌کرد.

امام سجاد^(ع) در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه برای مرزداران حکومت اسلامی - اموی - این‌گونه دعا می‌کنند: «بارالها! بر محمد و خاندانش درود و رحمت فرست و به عزت مرزهای مسلمانان را حفظ کن و به وسیله قدرت نگهبانان آن را تأیید کن و از توانگری خود برای آن‌ها عطایی سرشار در نظر گیر... بر تعداد آنان بیفزا و سلاح‌شان را تیز و برنده گردان و حوزه نظامی آن‌ها را محافظت و حومه منطقه نظامی آن‌ها را مستحکم و میان آن‌ها الفت و دوستی برقرار نما» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸: ۱۹۳) این دعای امام را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم اقدامات هم‌گرایانه امام دانست. همچنان که در دعا مشخص است امام تمام قلمروی اسلامی را با عنوان «مرزهای مسلمانان» خطاب می‌کند و خود و یاران خود را تافته جدا بافته از دیگر مسلمانان نمی‌داند. طلب توانگری را برای آنان از خداوند خواستار است. آمادگی روزافزون و همچنین الفت بین رزمندگان را در دعای خود طلب می‌کند. مشاهده می‌شود علی‌رغم آن که خلافت اموی سکان‌دار سیاست عصر امام بودند، اما ایشان برای حفظ وحدت جامعه برای عاملان و کارگزاران آن خلافت دعا می‌کردند وحدت جهان اسلام را بر هر چیز دیگر مقدم‌تر می‌دانستند. زیرا حمله به امت اسلامی و به عبارتی دارالاسلام نه تنها برای مسلمانان خطرآفرین است، بلکه شیعیان را نیز در ورطه خطر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر امام مصالح امت و دین را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد. این صحبت‌های امام را می‌توان حمل بر تقیه مدارایی دانست.

امام برای آنان که به ایشان بدی می‌کردند نیز دعا می‌کرد و از خداوند برای آنان طلب مغفرت می‌کرد: «پروردگار من! آن کس که در حق من بد کرده و خلاف آنچه شایسته بود ناشایسته آورده و بی آن که از من پوزش بجوید زندگی را بدرود گفته و اکنون در دل خاک آرمیده و دستش از دنیا کوتاه است و موجودی مستمند باشد، گناهانش را ببامرز و مغفرت خود را از وی بگیر» (الحسنی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۷۶). رفتار امام نه مانند آنانی است که بعد از مرگ مخالفان خود، از هیچ فرصتی برای منکوب کردن آنان استفاده می‌کنند؛ بلکه ایشان در آن برهه زمانی برای حفظ وحدت بین امت اسلامی مخالفان خود را بعد از مرگشان مذمت نمی‌کنند تا یاران ایشان نیز دست به چنین اقدامی نزنند و شیرازه امت اسلامی از هم نپاشد.

حضرت زین العابدین (علیه‌السلام) در دعای چهارم صحیفه سجادیه این‌گونه پیروان و یاران پیامبر را رحمت می‌فرستد: «بارالها! درود فرست بر تمام پیروان رسولانت و بر آن انسان‌هایی که ندیده، رسولانت را تصدیق می‌کنند... آن اصحابی که در آشکار ساختن

آیین توحیدی‌اش، از زن و فرزند خود دوری کردند و برای استحکام نوبتش با پدران و فرزندان خود جنگ کردند... بارالها! از امروز تا روز قیامت بر پیروان پیامبر و همسران‌شان، فرزندان‌شان و از کسانی که تو را اطاعت می‌کنند، درود و رحمت فرست» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸: ۴۹) از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که به الله، عثمان به ناحق کشته شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۵/ ۱۶۷). متأسفانه نوع نگاهی که امروزه به صحابه و به خصوص شیخین وجود دارد در جامعه آن زمان نبوده است. ذکر این نکته مهم است که بحث حقانیت حضرت علی (علیه السلام) موضوعی بوده است که از همان سقیفه مورد تأکید امام، اهل بیت و یاران نزدیک امام بوده است؛ اما از سب و لعن مخالفین خود خودداری می‌کردند.^۲

۲-۱-۲- شرکت در نماز جماعت

انجام مراسمات مذهبی که صبغه جمعی داشت توسط ائمه اطهار در کنار عامه انجام می‌شده است. از امام باقر (علیه السلام) نقل است که ایشان فرمودند ما بدون آن که تقیه کنیم پشت سر ایشان - حاکمان مروانی - نماز می‌گزاریم و گواهی می‌دهم که علی بن حسین هم بدون آن که تقیه کند پشت سر آنان نماز می‌گزارد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۶۴؛ آقانووری، ۱۴۰۰، ص ۱۷۵). شاید برخی از افراد این عمل امام را این‌گونه توجیه کنند که ایشان تقیه کرده است و برای حفظ جان خود پشت سر آنان نماز می‌گزارد. در جواب آنان و برای فهم بهتر مطلب باید گفت که این‌گونه تقیه و مخفی‌کاری در صورتی جایز است که اصول اسلام و از ضروریات دین برپا بماند، و الا نه تنها جایز نیست بلکه حرام است. از شیخ طوسی نقل است که گوید: «اساساً تقیه و مخفی‌کاری در اصول دین رخصت است نه عزیمت (یعنی جایز است نه واجب)» (حرانی، بی تا: ۲۹۱). اگر مطلبی در برخی منابع تاریخی آمده است که امام نماز پشت سر حاکمان را مجدداً اعاده می‌کردند دور از واقع و حقیقت تاریخی است. نه تنها امام سجاد (ع) نماز خود را اعاده نمی‌کردند، بلکه حضرت امیر نیز زمانی که پشت سر خلفا نماز می‌خواندند نیز اعاده نمی‌کردند.

در کتاب جهاد امام سجاد (ع)^۳ آمده است: «محمد بن فرات گوید در روز جمعه در کنار علی بن الحسین نماز گزاردم و شنیدم که گروهی در حال نماز با یکدیگر سخن می‌گفتند. امام گفت: این چیست؟ گفتم آنان شیعیان شما هستند که نماز گزاردن در پشت سر بنی امیه را روا نمی‌دارند! امام گفت این کار بدعت است؛ زیرا هر کس که قرآن بخواند و رو به قبله بایستد پشت سر او نماز بگزارید. اگر او نیکوکار باشد نیکی‌اش برای او خواهد بود و اگر گناهکار باشد، گناهش بر عهده او خواهد بود» (حسینی جلالی، ۱۳۸۲: ۱۲۰) منظور امام حفظ وحدت و هم‌گرایی اسلامی بود. در غیر این صورت اگر افراد و گروه‌های اسلامی درصدد اقامه نماز بر طبق آیین و مرام خود بودند جامعه اسلامی شاهد برپایی نمازهای جماعت و جمعه فراوان بود و هدف شارع که برقراری نظم وحدت اسلامی بود محقق نمی‌گردید.

۲-۱-۳- مدارا و احترام به باورهای غیر شیعیان

رمز ماندگاری اسلام مدارا و احترام با مردم و نظرات مخالف است و اگر غیر از این بود امروزه از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. در همین خصوص امام سجاد (ع)^۴ در مورد حق هم‌کیشان (هم آیین) و مدارا با آنان می‌فرماید: «با هم‌کیشان با حسن نیت و مهربانی و نرمش رفتار کنید. چنانچه رفتار سوئی از آنان مشاهده کردید با آنان با مدارا رفتار کنید و محبت آنان را جلب کنید و به اصلاح کار آنها بپردازید... درباره همه آنها دعا کنید و به یاری آنها بپردازید» (امین، ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۷۲) زهری به نقل امام سجاد (علیه السلام) می‌گوید: «آخرین چیزی که خضر به موسی بن عمران وصیت کرد، این بود که گفت: کسی را به خاطر گناهی سرزنش مکن و همانا محبوب‌ترین کارها نزد خدا سه چیز است: میانه‌روی در گشاده‌دستی و عفو به هنگام قدرت و مدارا با بندگان خدا، و هیچ کس در دنیا با کسی مدارا نکرد مگر این که خداوند در روز قیامت با او مدارا خواهد کرد و سرآمد حکمت، ترس از خداوند است (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۷۱).

طبرسی در خصوص رعایت مجالست و مدارای امام حادثه‌ای را نقل می‌کند که مردی خدمت حضرت سجاد (ع)^۵ عرض کرد: «شخصی تو را به ضلالت و بدعت متهم می‌کرد، امام سجاد (ع)^۶ به این شخص فرمود: تو حق مجالست آن مرد را مراعات نکردی

۲- برای اطلاع بیشتر خوانندگان گرامی را به مقاله «بنیان‌گذاران و مبلغان لعن با نام و نشان در اسلام» نوشته مصطفی معلمی که در شماره ۱ فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی به چاپ رسیده است ارجاع داده می‌شود (رک منبع)

که گفته او را برای من نقل کردی و حق مرا هم مراعات نکردی که گفته برادرم را برای من بازگفتی درحالی که از آن خبر نداشتیم» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۳۰۴). این عمل امام می‌تواند دربردارنده درس‌های زیادی از جمله امانت‌داری حتی مخالفین، عدم غیبت و... باشد.

یکی از زشت‌ترین شیوه‌های امویان، پاشیدن بذر اختلاف و چنددستگی میان مسلمانان بود. از جمله اموری که بر آن تأکید داشتند، دامن زدن به مسئله «خلافت شیخین» بود (حسینی جلالی، ۱۳۸۲: ۱۱۰ و ۱۱۱). امویان برای حفظ پایه‌های حکومت خود عامدانه مسئله شیخین را مطرح کردند تا مخالفان خود را با این حربه به حاشیه برانند. امام با علم به این موضوع به مقاومت در برابر نقشه امویان برخاست. به عنوان نمونه زمانی که از مقام شیخین در نزد پیامبر از امام سجاد (علیه‌السلام) سؤال شد، ایشان با دست خویش به مرقد پیامبر اشاره کرد و فرمود: «مانند منزلتی که الان نزد او دارند» (ذهبی، بی تا: ج ۴، ۳۹۴-۳۹۵) امام در پاسخ به پرسشگری دیگر فرمودند: «ابوبکر و عمر را دوست بدار و اگر در این گناهی باشد به گردن من» (ابن منظور، بی تا: ج ۱۷، ۲۴۱) حال زمانی که زعیم شیعیان این‌گونه نظر دارد چرا امروزه برخی شیعیان از امام خود جلوتر رفته و لب به توهین و لعن بزرگان اهل سنت می‌کشایند.

گروهی از اهل عراق بر امام وارد شدند و ابوبکر، عمر و عثمان را به بدی یاد می‌کردند و دشنام‌شان دادند. حضرت به ایشان فرمود: به من بگوئید که شما کی هستید؟ شما از مهاجران اولیه که برای جلب خدا از خانه و کاشانه گذشتند و خدا و رسول خدا را یاری می‌کردند و همانا راستگویانند؟ گفتند خیر. فرمود پس آیا شما از کسانی هستید که مدینه را جایگاه گرفتند و به دین و ایمان پیش از آمدن مهاجران دل فرودادند... مهمان را بر خود می‌گزینند؟ گفتند: خیر. فرمود: شمایی که هیچ‌کدام از این دو گروه نیستید من گواهی می‌دهم در شمار کسانی نیز نیستید که خداوند درباره آن‌ها فرموده است: آنانی که پس از ایشان آمدند می‌گویند پروردگار! ما و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، ببخشای و در دل ما نسبت به ایمان آوردگان کینه‌ای قرار مده. بروید و از اینجا دور شوید» (ابن منظور، بی تا: ج ۱۴، ۲۴۱). امام در جواب آنانی که نظر ایشان در خصوص شیخین را می‌پرسیدند عالمانه این‌گونه جواب می‌دادند که: «ولایت شیخین در این وقت مورد کشمکش و گفت‌وگو نیست؛ زیرا هیچ سودی برای اسلام و مسلمانان در آن نیست؛ چراکه زمان آن گذشته و آنچه زیان‌آور است همانا ولایت بنی‌امیه است که باید آن را از ولایت شیخین جدا کرد هرچند این ولایت ادامه آن ولایت باشد» (حسینی جلالی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

سخن بالا گویای آن است که امام توهین و ناسزا به خلفای سه‌گانه را جایز نمی‌دانستند و این می‌تواند الگویی مناسب برای مسلمانان عصر حاضر باشد تا آنان نیز به گذشتگان و افرادی که مورد احترام اهل سنت هستند، توهین و ناسزا نگویند.

۲-۱-۴- معاشرت نیکو با عامه مردم

ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ ق) از بزرگان و محدثان اهل سنت، علی‌رغم پیوستگی به امویان، خود را شاگرد امام می‌دانست (مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۹۵) و از آن حضرت ستایش می‌کرد و احادیث متعددی از ایشان نقل کرده است. امام باقر (علیه‌السلام) می‌گوید: «روزی زهری در حالی که غمگین و اندوهناک بود خدمت امام سجاد (علیه‌السلام) شرفیاب شد. وقتی امام او را با آن حال دید فرمود چرا غمگین و اندوهناکی؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! غم و اندوهی که مرا احاطه کرده در مورد حسودان نعمت‌های من و آزمندان خودم است که به وسیله آن‌ها من آزمایش شدم، کسانی که من با آنان نیکی کردم و امید داشتم که آنان نیز در حق من نیکی کنند، ولی اینک بر خلاف پندارم شد. امام سجاد (علیه‌السلام) فرمود زبانت را حفظ کن تا برادرانت را بنده خود کرده و در اختیار خودت قرار دهی. زهری گفت: ای فرزند رسول خدا من هر چه را که می‌توانم با زبانم به آنان نیکی می‌کنم. امام فرمود هیات! هیات! هرگز عجب و خودپسندی مکن. هرگز سخنی را که دل‌ها آن را نمی‌پذیرند مگو، اگرچه بتوانی آن را توجیه کرده و عذر بیاوری، چراکه نمی‌توانی هر سخن نامطلوبی را که می‌شنوی با همه عذرت توجیه نمایی. ای زهری آگاه باش بر توست که همه مسلمانان را به منزله خانواده و خویشان خود بدانی؛ بزرگسالان را به منزله پدرت، کوچک‌ترها را به منزله فرزندان و همسالان را به منزله برادرانت بدانی. در این صورت دوست داری به کدام‌یک از آن‌ها ستم کنی؟ و به کدام‌یک از اینان نفرین کنی؟ و پرده کدام‌یک از آنان را بدی؟» (امین، ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۷۲) در جریان قتل غیر عمد ابن شهاب زهری که به خارج مدینه در خیمه‌ای زندگی می‌کرد امام از کنار آن خیمه گذر کردند و به او فرمودند: «نومیدی تو از رحمت خداوند بزرگ‌تر از گناه تو است. از خدا

بترس و از او آموزش بخواه... زهری می گفته است: منت علی بن حسین بر من از همگان بیشتر است» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ۱۶۵).

زید بن اسامه بن زید به شدت ناراحت بود، امام سجاد (علیه السلام) علت را از وی پرسیدند و او گفت: «پانزده هزار دینار بدهی دارم. آن حضرت نیز به وی فرمود: گریه مکن! من بدهی تو را پرداخت خواهم کرد» (ذهبی، بی تا: ج ۴، ۳۹۴ و فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۲۷) امام با اسلم، برده آزاد شده عمر نشست و برخاست می کرد. مردی از قریش به او گفت: هم نشینی را رها می کنی و با برده بنی عدی می نشینی؟ علی بن حسین فرمود: جز این نیست که آدمی باید جایی بنشیند که بهره ببرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ۱۶۷).

داستانی در منابع تاریخی آمده است که امام اسلام پذیری را موجب از بین بردن نقصان و گناهان گذشته می داند. مردی بصری از قبیله شیبانی که عبدالملک بن حمله نام داشت به علی بن حسین برخورد امام از او پرسید تو خواهر داری؟ گفت آری. فرمود به ازدواج من در می آوری؟ عرض کرد آری. آن مرد رد شد یکی از اصحاب زین العابدین از پی او رفت تا به منزلش رسید. از موقعیت آن شخص سؤال کرد نام و نسبش را ذکر کردند و گفتند رئیس قبیله است. آن مرد خدمت زین العابدین آمده عرض کرد میدانی کسی که خواهرش را خواستگاری کردی چه کاره است؟ گفتند رئیس قبیله است (این حرف را آن مرد از این جهت گفت که بفهماند آن شیبانی شخص پستی نیست و دارای مقامی است). علی بن الحسین فرمود تو را سرزنش نمی کنم راجع به این کار ولی مگر نمی دانی که خداوند به وسیله اسلام پستی و نقص را از بین برده و شرافت داده به کسی که گمنام بوده دیگر جای سرزنش و خرده گیری بر مسلمان نیست خرده گیری و سرزنش همان سرزنش جاهلیت است (مجلسی، ۱۳۹۶: ج ۴۶، ۱۰۹).

حلم و کظم غیظ از جمله صفات ارزشمند انسان های پرهیزگار در اسلام است، که به معنای فرونشاندن خشم، تسلط بر اعصاب و هیجانات بالاست. راغب اصفهانی در مفردات در خصوص واژه حلم می نویسد: «حلم خویشتن داری و حفظ طبیعت خویش از گرفتار شدن در هیجان غضب و جمع آن احلام است» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۸) از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است که: «حلم زیور خلق و خوی انسان است» (غررالحکم، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۹۱).

در کتاب اربلی داستانی آمده است که مردی نزد امام آمد و گفت که شخصی در مورد شما سخنانی ناو را نقل می کند. امام فرمودند که من را نزد او ببر، زمانی که امام با او روبرو شد فرمودند اگر آنچه در مورد من گفتی حق بوده از خدا می خواهم من را بیامرزد و اگر حرف تو باطل بوده است امید دارم خداوند تو را بیامرزد (اربلی، بی تا: ج ۲، ۲۶۲). اگر با توجه به مصلحت عالیه اسلام با توجه به شرایط زمان به این گزاره ها نگریسته شود؛ عمل امام در راستای وفاق جمعی امت اسلامی تفسیر کرد. زمانه ای که شیعیان در اقلیت بودند و با کمترین بهانه قتل عام می شدند، حال رهبر و امام شیعه اگر خود در روابط شخصی و جمعی با دیگر غیر شیعیان رعایت احتیاط را نمی کردند بالطبع شیعیان افراطی بسی افراطی تر را انجام می دادند. زیرا معاشرت نیکو مبتنی بر اخلاق حسنه خود یکی از راهکارهای تقریب محسوب می گردد.

۳- راه کارهای سیاسی

راه کارهای سیاسی به اقدامات امام گفته می شود که طرف مورد تعامل ایشان حاکمان و خلفای اموی بودند. در ادامه به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

۳-۱- مشورت حاکمان با امام

حاکمان و سیاستمداران عصر امام، بنا به احترام و بزرگی امام و همچنین ایشان جهت حفظ وحدت و انسجام اجتماعی جامعه اسلامی با آن ها رایزنی می کرد و در مواقع حساس، ارشادهای خود را از آنان دریغ نمی کرد. امام سجاد (علیه السلام) بنا به نقل های تاریخی به عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ق) در خصوص ضرب سکه های اسلامی جهت رواج آن و مقابله با تهدید حکومت بیزانس مشاوره داد (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱: ج ۴، ۱۷۴)؛ البته در برخی منابع تاریخی خطاب نامه خلیفه، امام محمدباقر (ع) است که با توجه به زمان تاریخی وقوع رویداد احتمال این که امام چهارم این مشورت را داده باشند، بیشتر است. امپراتور روم نامه تهدیدآمیزی برای عبدالملک بن مروان فرستاد و او از جواب عاجز ماند. او فوراً نامه ای به حجاج بن یوسف ثقفی که آن زمان

حاکم حجاز بود نوشت و در آن نامه از او خواست متن نامه را به امام بدهد تا جواب امام را ببیند و آن را برای امپراتور بیزانس بفرستد (یعقوبی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۲۱۳).

نامه‌ی دیگری از عبدالملک بن مروان در خصوص رفتار حسنه با امام در منابع آمده است که ذکر آن نامه خالی از فایده نیست و اخلاق حسنه امام را به نمایش می‌گذارد. عبدالملک به والی خود در حجاز نامه‌ای می‌نویسد که در آن رفتار والی با امام را توضیح می‌دهد، امام در جواب نامه خلیفه این‌گونه می‌نویسد: «بسم الله الرحمن الرحیم به عبدالملک بن مروان از علی بن حسین. اما بعد به درستی که تو نوشتی در روز چنین و چنان و در ساعت فلان از فلان ماه و این را. به درستی که رسول الله مرا اخبار فرموده به این و به درستی که خدای تعالی جزای سعی تو را بدهد و ثابت گرداند ملک تو را و دراز سازد زمان حکومت تو را» (اربلی، بی تا: ج ۲، ۳۱۱).

عمر بن عبدالعزیز در مدینه زمانی که امام علی بن حسین را می‌بیند خطاب به ایشان این‌گونه می‌گوید: «محاضرات از راغب اصفهانی و ابن جوزی نیز در مناقب از عمر بن عبدالعزیز نقل می‌کند، که روزی حضرت امام زین العابدین پیش عمر بن عبد العزیز بود، از جای حرکت نموده و خارج شد. عمر بن عبدالعزیز روی به حاضران کرده و گفت: گرامی‌ترین مردم کیست؟ حاضران گفتند: شما. عمر بن عبد العزیز گفت: هرگز. گرامی‌ترین مردم همین شخص بود که اکنون از مجلس ما خارج شد. کسی است که مردم دوست دارند از آن خانواده محسوب شوند ولی آن‌ها دوست ندارند که جز هیچ خانواده‌ای باشند» (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۱۵۵ و جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۸۰).

۳-۲- عدم دخالت در سیاست (مبارزه منفی)

امام سجاد (علیه السلام) بعد از واقعه عاشورا مستقیم در سیاست دخالت نکرد و سعی او آن بود که در مرحله اول هسته یاران مخلص و پیروان اهل بیت را از گزند حوادث مصون نگه دارد، و در مرحله بعد از طریق دعا و نامه‌هایی اشتباهات خلفا و حاکمان را به آنان گوش زد کند. در مقابل برخی از حکمان اموی نیز کوشیدند تا روابط حسنه‌ای با او برقرار کنند. موضع بی‌طرفانه سیاسی امام در برخورد با امویان، سبب شد تا امام زندگی آزادی در مدینه داشته باشد و کمتر توجه مخالفان را به خود جلب کند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۹۶).

امام در طی دوره نسبتاً طولانی امامت خود از سیاست مبارزه منفی عدول نکرد و حتی با طرح نظریه «تقیه» بر استحکام و اقتدار آن افزود (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۷۸ و آقانوری، ۱۳۷۸: ۱۲۰). حالت انفعالی امام بیشتر نتیجه جریان حادثه عاشورا بوده است. مروان بن حکم و عبدالملک بن مروان حتی احترام و محبت خاصی نسبت به او نشان می‌دادند (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۷۸). احترام این خلفا نتیجه رفتار زشت و ناپسند معاویه و یزید با ائمه اطهار (علیه السلام) بود و این خلفا حداقل در ظاهر احترام امام سجاد (علیه السلام) را حفظ می‌کردند.

نحوه برخورد امام با مختار ثقفی یکی از نمونه‌هایی بود که ایشان در سیاست دخالت نمی‌کردند. در منابع آمده است مختار ثقفی صد هزار درهم برای امام فرستاد، امام خوش نمی‌داشت آن را بپذیرد در حین آن که از برگرداندن آن نیز بیم داشت، ناچار آن را گرفت و کنار گذاشت. چون مختار کشته شد علی بن حسین به عبدالملک بن مروان نامه نوشت که مختار برای من صد هزار درهم فرستاد نه خوش داشتم که بپذیرم و نه خوش داشتم که برگردانم، اینک پیش من موجود است کسی را بفرست که آن را بگیرد. عبدالملک برای او نوشت: ای پسرعمو آن را برای خود بردار که آن را با طیب خاطر برای تو روا می‌دارم (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۶۴؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۴).

نقش امام در واقعه حرّه یکی دیگر از نمونه‌های عدم دخالت سیاسی امام است مردم مدینه بعد از واقعه کربلا و مشاهده اعمال یزید در بازگشت از دمشق در مدینه علم مخالفت با امویان را بلند کردند. یزید نیز سپاهی به فرماندهی مسلم بن عقبه «مسرف» برای سرکوبی آنان فرستاد که او توانست قیام را سرکوب و به مدت سه روز شهر در اختیار سپاهیان شامی قرار گرفت. در جریان واقعه حرّه (۶۳/۶۲ ق) امام از همسر مروان بن حکم، عایشه دختر عثمان بن عفان، (امین، ۱۳۷۶: ج ۴، ۲۳۰؛ الحسنی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۴۵) و خانواده وی و همچنین حدود چهارصد زن قریشی را تحت حمایت و محافظت خود قرار داد (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۹۳) و زمانی که مسرف بر معترضان غلبه کرد و بسیاری از مردم شهر را از دم تیغ گذراند، امام سجاد (علیه السلام) را دید به او خیرمقدم

گفت و بر تخت کنار خود نشاند و به خاطر حضور امام، ابوهاشم عبدالله و حسن فرزندان محمد حنفیه را نیز بزرگ شمرد و تعرضی به آنان نکرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۶۶). علاوه بر این، مسرف از مردم مدینه به عنوان بردگان یزید بیعت گرفت، اما نسبت به ایشان با احترام رفتار کرد و امام را از این امر معاف دانست (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۱). حضرت زین العابدین (علیه السلام) در جریان قیام ابن زبیر نیز بی تفاوت بود. به این خاطر از طرف خلیفه خود خوانده‌ی حجازی آن چنان اذیت نشد. امام همواره از جنگ نهی می‌فرمود. گروهی از خراسانیان به دیدار او رفتند و از ستمی که از حاکمان خود می‌دیدند شکایت کردند. آنان را به شکیبایی و خودداری فرمان داد و گفت: «من همان را می‌گویم که عیسی علیه السلام می‌گفت: اگر آنان را عذاب کنی همانا بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی همانا که تو نیرومند کارسازی» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۶۷). عطاء بن سائب از امام سجاد (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: هرگاه در زمان حکومت پیشوایان جور واقع شدید به همان احکام صادر از ایشان عمل کنید و خود را سر زبان‌ها نیندازید و مشهور به مخالفت نکنید که موجب هلاکتان می‌شود و اگر بتوانید بین خودتان مطابق احکام ما اهل بیت رفتار کنید و فصل خصومت کنید البته این، برای شما بهتر است (ابن بابویه، ۱۳۶۷ق: ج ۴، ۴).

۴- نتیجه

امام سجاد (علیه السلام) (۳۸-۹۵ق) تنها فرزند امام حسین (علیه السلام) بعد از واقعه عاشورا است که نسل امامان از او ادامه یافت، توانست در محیط خفقان و اختناق جامعه اسلامی در حجاز به مدت ۳۴ سال زعامت شیعیان را بر عهده بگیرد. امام با توجه به این که امام شیعیان بودند و در قاموس شیعه امام رهبری دینی و دنیوی جامعه اسلامی را عهده‌دار است، اما ایشان به خاطر شرایط سیاسی و اجتماعی بعد معنوی و دینی امامت را عهده‌دار بودند و حفظ دین، تبیین احکام الهی و دور نگه داشتن آن از انحراف را وظیفه اصلی خود می‌دانستند. در مقاله حاضر راه کارهای امام جهت حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی به ابعاد مذهبی، سیاسی و اجتماعی تقسیم شده است. در بعد مذهبی امام از دعا در راستای حفظ وحدت و انسجام اجتماعی استفاده می‌کند. دعایی که حفظ مصالح اسلامی را سرلوحه خود داد. شرکت در مراسمات عمومی مانند نماز جمعه، عید قربان و اعیاد دیگر نمونه‌ای از آن است. امام بعد از عاشورا و مشاهده بی وفایی مردم عصر خود و همچنین قدرتمند بودن توان نظامی حاکمیت مبارزه منفی را پیشه خود می‌سازد. تعاملات حسنه با غیر شیعیان، دعا برای سربازان و مرزداران خلفای اموی، معاشرت نیکو با مردم، مشورت دادن به خلفا در صورت اعلام نیاز آنان نمونه‌ای دیگر از راه کارهای سیاسی و اجتماعی ایشان برای حفظ وحدت است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۷)، *من لایحضره الفقیه*، ترجمه علی اکبر غفاری و دیگران، تهران: نشر صدوق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ق)، *طبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (بی تا)، *تحف العقول*، ترجمه جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق یوسف البقاعی، بی جا: انتشارات ذوی القربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، *مختصر تاریخ دمشق*، تحقیق احمد راتب و محمد ناجی العمر، دمشق: دارالفکر.
- اربلی، علی بن عیسی، (بی تا)، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ترجمه علی بن حسین زورائی، بی جا، انتشارات اسلامییه.
- امین، محسن، (۱۳۷۶)، *سیره معصومان*، ترجمه حسین وجدانی، تهران: انتشارات سروش.
- آقانوری، علی، (۱۳۷۸)، *امامان شیعه وحدت اسلامی*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- (۱۴۰۰) اهل بیت و مخالفان فکری، قم: انتشارات دانشگاه ادیان.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۴)، *سیره پیشوایان*، قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- جعفری، حسین محمد، (۱۳۸۴)، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۱)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران: انتشارات علم.
- حسینی جلالی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، *جهاد امام سجاد*، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (بی تا)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: موسسه الرساله.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۸)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه حسین خداپرست، زیر نظر عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۴)، زندگانی علی بن حسین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صحیفه سجادیه، (۱۳۸۸)، ترجمه سعید مطوف راشدی: انتشارات پیام علمدار.
- طبرسی، علی بن حسین، (۱۳۷۴)، مشکات الانوار، ترجمه عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران: انتشارات عطارد.
- آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و دررالکلم، (۱۳۷۸)، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۶۶)، روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۳۹۶)، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی، جلد ۴۶، تهران: انتشارات اسلامییه.
۱۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: انتشارات دارالهجره.
۱۴. معروف الحسنی، هاشم، (۱۳۷۶)، زندگی دوازده امام، ترجمه محمد رخشنده، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. مفید، محمد بن محمد نعمان، (۱۳۸۰)، الارشاد، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۴۱۹ق)، تاریخ یعقوبی، علق علیه وضع حواشیه خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.

